

نگارشی از سخی صمیم.

## به بهانه روز جهانی عدالت

\*\*\*

نظریات و افکار این قلم انفرادی و منحصر بفرد است که اجابت الزامی نمی طلبد:

\*\*\*

## عدالت جوهریست که قائم به غیر نبوده رؤیت خارجی ندارد، ولی کار برد عدالت محسوس و مشهود می باشد:

عدالت به مفهوم واقعی خویش فقط با کار بردیکه تغییر مفهوم و عمل ندهد مرز و بوم حدود، جغرافیا و آیین و کیش نمی شناسد ایجاد عدالت بطور راستین بر جامعه و انسان بویژه صاحبان روح و جسم تأثیر گذار بوده مگر قیدیکه می تواند آن را منحرف سازد همانا داشتن آرمان والا به نفع فضاء، زمین، ذیروح و بالاخیره بشرو کائنات بطور عام و انسان ها با ابعاد پذیرفته شده آن در عمل است که با وجدان منزه انسانی تأمین و تطبیق و قابل احساس و دید میگردد.

در نصب العین جوامع بشری و ممالک قانون مدار آنچه اکثریت معیار قرار می گیرد همانانبع و منشأ تأمین «عدالت» قانون و مصادر مجاز اندکه قضاء و محاکم مسئولیت اجرای آن را به سهم خویش با تطبیق سالم و پذیرفته شده آن به عهده دارند:

ولی طور دقیق از یاد نمی بریم که سازشکاری های خودی و یا جمعی زمانیکه در مسیر گرایشهای درونی و یا علنی بمنظور فریب و خدشه عدالت را مجروح و یا معیوب سازند تا باشد به گمان و مرام خود و دایره رهروان خویش اهداف پلید منفی پیاده کنند این همان

عدالت مجروح و معیوب است که نمیتوان آن را عدالت سالم خواند زیرا جوهر عدالتیکه اصل است به آن گرنش نداشته و گردن نمی نهد به همه حال:

چنانیکه میدانیم حقوق و یاق طور طبیعی مقدم بر قانون و عدالت زایشی از احکام قانون است که با سلامت تطبیق احکام آن بوجود می آید و پدیده عدالت با ابعاد مختلف خویش ستون استوار بر امنیت و تأمین حقوق جامعه و افراد و در نهایت رهگشای توصل بر عدالت اجتماعی می شود.

اما زمانیکه این حق ثابت مورد تجاوز و دستبرد قرار میگیرد آنگاه ضرورت اعاده و یا تأدیة حق که «عدالت» محور باشد ظهور و در این راستا مرجع بازگیرنده حق طور مسلم همان محکمه و قضاوت است که با حاکمیت قانون و تبارز واقعیت ها ایجاد می شود ولی با تأکید باید گفت که تحقق این اصول اقامه شده در وجود قوانینکه حقوق مردم را در متن خویش نهفته دارد بوجود می آید و عدالت قضائی و اجتماعی زمانی تحقق می یابد که قوانین مُدون و مُسجل با مُحتوای جامع و کامل آن که حقوق افراد جامعه را در خود پیچیده باشد با سلامت تطبیق و تأمین حقوق کیفری و مدنی مردم تأمین میگردد و این مرحله صفحه اساسی ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی به سهم خود شده می تواند.

پس عدالت: در صورت عدم تطبیق احکام قانون و عدم رعایت حقوق اساسی و سایر حقوق افراد جامعه با سلطه و پوشش یک نظام با قدرت حقوقی میسر نخواهد بود.

اصل احکام قوانین و نظام حقوقی در وقت و زمان هر حاکمیت و رژیم با مُحتوای مندرج خود بمنظور رعایت حقوق افراد جامعه و یا مرام و هدف همان حاکمیت و رژیم ساخته و تدوین میگردد و مکلفیت تطبیق این قوانین به دُوش مراجع عدلی و قضائی گذاشته میشود.

بدین اساس ایجاد جوهر عدالت و تأمین عدالت در گرو مُحتوای قوانین نافذه و نظام حقوقی مورد اجرا در رژیم و قدرتهای بر سر اقتدار نهفته است که مسؤلیت تطبیق و رعایت آن را مراجع عدلی و قضائی به عهده دارند. بدین مفهوم دادگاه ها و محاکم صرفاً مسؤلیت سلامت تطبیق قوانین و رعایت دقیق نظام حقوقی را عهده دار می باشند.

بر مبنای آنچه گفته آمدیم: قضاء از همان آوان پیدایش خویش تا ایندم با پیمودن راه های پر خم و پیچ با انواع مشکلات فراوان به خدمت قدرتهای زمان قرار گرفته و دوره های مختلفی را سپری کرده است ولی همین اکنون هم قضاء در جهان فعلی با داشتن موقعیت های مختلف مناسب و غیر مناسب در خدمت جوامع مختلف قرار دارند.

قضاء در نقاطی از جهان با داشتن موقف واقعی و اعتبار شایسته طرف اعتماد و در بسا از نقاط جهان سخت بی اعتماد بوده است.

بلی زمانیکه این ارگان مقدس موقعیت لازمه خود را با آزادی عمل و استقلال قانونی کسب کند میتواند با تطبیق و اجرای قوانین نافذ دوران خود موقف عالی خود را حفظ و طرف

اعتماد جامعه قرار گیرد. اما با در نظر داشت مطالب ذکر شده ایجاد و تأمین عدالت قضائی مشروط به اجرا و تطبیق احکام قوانین از جانب دستگاه قضائی کشور در فضای آرام و استقلال واقعی قضاء عملی بوده می تواند چنانچه دیده و گفته میشود که در بسا از نقاط جهان و کشور هائیکه دارای سیستم دموکراسی واقعی هستند قوه قضاء در بدنه دموکراسی راستین با داشتن آزادی عمل و اختیارات قانونی به اوج اعتبار و کسب اعتماد رسیده اند که ما شاهد این حقیقت روشن در دنیای مُتمدن روز هستیم.

ولی در کشور عزیز ما افغانستان تا جاییکه من بیاد دارم و تاریخ نیز مؤید آن است دادگاه و قضاء انچنانیکه شایسته نام و موقف آن است جایگاه قضائی خود را برای تأمین عدالت به مفهوم عام آن نتوانسته است حفظ و کسب نماید، نبود قضاوت سالم، وجود سدّ و موانع مختلف درین عرصه (تأمین عدالت)، عدم وجود شرایط لازم برای قضات و قضاوت، عدم تطبیق و اجرای احکام قوانین بر مبنای اهداف و اغراض، کجروی و اخلال در نظام حقوقی و سایر تخلفات دیگر ضربه های سخت و لکه های بدی بر پیکر عدالت و قضاء وارد کرده است چنانیکه واقعیت های تلخ عینی و عملی در جامعه نشان می دهد که عدم وجود عدالت قضایی که می تواند نمونه منفی بر سایر ابعاد مختلف عدالت گردد بر اخلال امنیت اجتماع بی تأثیر نبوده و یکی از عوامل اساسی بد امنی ها همین عدم حاکمیت قانون و نبود عدالت بطور عام بوده می تواند.

در وطن ما همانطوریکه تأمین عدالت قضائی از طریق اجرا و تطبیق سالم قوانین در گسترش امنیت و آرامی اجتماع کاملاً اثرات مثبت و بسزایی دارد، به همان پیمانہ عدم تطبیق قوانین و بی عدالتی در اخلال نظم و گسترش ناامنی ها رُل با رزی بازی می کند. (حاکمیت سالم قوانین می تواند حاکم حقیقی در جامعه باشد).